

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۱۶-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۲

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.692016](https://doi.org/10.30495/dk.2022.692016)

تحلیل گفتمان لیبرالیستی شعر «به علی گفت مادرش روزی» از فروغ فرخزاد بر پایه نظریه گفتمان لاکلا و موفه

سمیه رحمانی فام^۱، دکتر آرش مشفق^۲، دکتر ناصر علیزاده خیاط^۳

چکیده

لیبرالیسم که غالباً از آن به عنوان ایدئولوژی دوره‌های مدرن یاد شده است از جمله مفاهیمی است که از عصر مشروطه تا به حال بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ایران تأثیر داشته و شاهد ظهور گسترده آن در ادبیات نیز هستیم. سخن کاوی یا تحلیل گفتمان هم نوعی مطالعه میان رشته‌ای است که به تجزیه و تحلیل کلام می پردازد و منجر به خوانش عمیق آثار ادبی می‌شود. این پژوهش بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه سعی بر این دارد تا مفصل بندی مفاهیم لیبرالیستی را برای هویت بخشیدن به آن در دوره معاصر بر اساس شعر «به علی مادرش گفت روزی» از فروغ فرخزاد، نشان دهد. بر اساس این نظریه هدف اصلی گفتمان لیبرالیستی، رقابت با گفتمان حاکم برای تثبیت آزادی و استقلال به عنوان دال مرکزی این گفتمان می‌باشد و همچنین با مفصل بندی مدلول‌های شناور سنت‌شکنی و مبارزه برای آزادی به دنبال هویت‌بخشی خود است. این گفتمان با اسطوره‌سازی انسان مبارز که همان ماهی و علی که به عنوان کودک درون فروغ فرخزاد می‌باشد سوژه سیاسی خود را یافته و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش می‌کشد تا بتواند نظم خود را در جامعه حاکم سازد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌های پژوهش با استفاده از شیوه تحلیل محتوا و شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: لیبرالیسم، تحلیل گفتمان، فروغ فرخزاد، لاکلا و موفه، دال و مدلول.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

rahmanisaher@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسؤول)

moshfegiarash@gmail.com

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

naseralizade@gmail.com



مقدمه

در اوایل قرن بیستم با طرح نظریه ساخت‌گرایی و متأثر از آرای نیچه، ویتگنشتاین و هایدگر، این نظریه عرضه شد که ما واقعیت‌های عالم را فقط از طریق قالب‌های زبانی می‌شناسیم و با زبان است که تجربه‌های انسانی ما معنی پیدا می‌کند؛ و همچنین زبان، جهان اجتماعی، هویت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را می‌سازد. می‌توان گفتمان را پدیده، مقوله یا جریان اجتماعی دانست و به تعبیر بهتر: گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است. طی دهه‌های اخیر، گفتمان در عرصه نظریه‌های ادبی، فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاست، روان‌کاوی و حتی روان‌شناسی اجتماعی و نیز سایر رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه و عمل اندیشمندان و نظریه پردازان قرار گرفته است. تحلیل گفتمان (Discourse analysis) که در زبان فارسی به سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن، خیلی زود، به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد.

پیشینه تحقیق

درباره شعر و اندیشه فروغ، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است از جمله مقاله «بررسی افکار و اندیشه‌های فروغ» از زهرا نبئی، فصلنامه علمی و پژوهشی بهارستان سخن، بهار و تابستان ۱۳۸۹، دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۱۸۶-۱۵۳. در زمینه تحلیل گفتمان نیز اشعار دیگری از فروغ فرخزاد از جنبه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است به عنوان مثال مقاله «تحلیل گفتمان شعر پنجره از فروغ فرخزاد از منظر زیباشناسی سیستمی-نقش‌گرا» از شروین خسته، فصلنامه مطالعات نقد ادبی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۴۰-۹ و یا مقاله «تحلیل گفتمان مرد در شعر فروغ فرخزاد و غاده سمان» از فرزاد نازنین، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، پاییز ۱۳۹۲، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۶۴-۱۴۹. با توجه

به جستجوهای انجام‌شده تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی شعر «به علی گفت مادرش روزی» از فروغ فرخزاد بر اساس تحلیل گفتمان لیبرالیستی بر مبنای نظریه لاکلا و موفه، صورت نگرفته است. از آنجا که این پژوهش با رویکرد میان‌رشته‌ای واکنش لیبرالیستی جامعه ایرانی در برابر حضور استبداد حاکم را در شعر مذکور تحلیل می‌کند و یافته‌های تازه‌ای در ادبیات سیاسی و اجتماعی معاصر ایران به دست می‌دهد، می‌تواند باعث شناخت و درک بهتر ما از ادبیات منظوم معاصر باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش، تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران در شعر «به علی گفت مادرش روزی» از مجموعه اشعار فروغ فرخزاد بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی «ارنستو لاکلا» و «شتال موفه» با روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود و به مؤلفه‌های نظریه گفتمان در شعر معاصر و در پیوند با لیبرالیسم جامعه آن دوران پرداخته می‌شود. نخست به اختصار به شرح مبانی نظری تحقیق با توجه به کلیدواژه‌ها و نظریه لاکلا و موفه پرداخته شده است و سپس در بحث اصلی متن، داده‌های پژوهش و ارتباط نظریه و شعر مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که متن شعر دارای چه گفتمانی است. اهمیت پژوهش در شناخت ابعاد مختلف آثار و پیامدهای استعمار، در دوران معاصر و بازتاب آن در ادبیات سیاسی ایران می‌باشد و دیگر اینکه فروغ را به عنوان شاعری که کمتر به شعر سیاسی پرداخته است برجسته می‌سازد.

مبانی تحقیق

تحلیل گفتمان

«سابقه واژه گفتمان بنا بر برخی منابع، به قرن ۱۴ میلادی برمی‌گردد. واژه «Discourse» از واژه لاتین «Discurs-us» به معنی «گفتگو، محاوره، گفتار» و از واژه «Discurrer» یا «Discursum» به معنی «طفره رفتن»، «از سر باز کردن»، «تحلیل ورزیدن» و... گرفته شده است» (مک دائل، ۱۳۸۰: ۱۰). این واژه در زبان فارسی به مباحثه، گفتمان، گفتار، گفت‌وگو، سخن، ترجمه شده است، البته هیچ اجماع روشنی در باب چیستی گفتمان و نحوه عملکرد و تحلیل آن، و نیز توافق عامی در باب تحلیل گفتمان وجود ندارد (ر.ک: فاضلی، ۱۳۸۹: ۴۶). در توضیح معنای گفتمان، آن‌گونه که در زبان روزمره و فرهنگ‌های لغات به کار می‌رود، گفتمان را شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی یا حتی به طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن

می‌دانند (ر.ک: میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۴). «گفتمان، یک روش یا نقطهٔ ثقل یک بررسی نیست؛ بلکه مجموعه قواعدی است که پیش شرط‌های اولیه را برای شکل‌گیری احکام فراهم می‌سازد؛ به ترتیبی که آن‌ها به عنوان ورای سخن‌وران گفتمان قرار دارند. در واقع موقعیت، عمل و ویژگی دانایان، نویسندگان و شنوندگان یک گفتمان، عبارت است از وظیفه و کارکرد این نوع از قواعد گفتمانی» (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱۶۱). اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای تحت همین عنوان از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است. «در این مقاله وی دیدی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن دارد» (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۷۸). بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطهٔ مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان، شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفت و گو، مصاحبه و سخنرانی) و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله، داستان، گزارش و...) است. به عبارت دیگر، «در تحلیل گفتمان - برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه - دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهندهٔ جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا؛ یعنی، زمینهٔ متن (context) سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی (context of situation) فرهنگی، اجتماعی و ... سروکار داریم» (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۸). بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینهٔ متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل بیرون زبانی (زمینهٔ اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (ر.ک: لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰).

لیبرالیسم

واژه لیبرال (Liberal) یک واژهٔ فرانسوی، به معنای فرد آزادی‌خواه یا هوادار آزادی است و در لغت به معنای آزاد مرد، بلندنظر، راد، بخشنده، بی‌تعصب و روشن فکر نیز آمده است. واژه لیبرالیسم (Liberalism) نیز به معنای آزادی‌خواهی می‌باشد. «لیبرالیسم از تلاقی روشنگری، انقلاب‌های صنعتی و سیاسی قرن ۱۷ و ۱۸ به وجود آمد و به مجموعه روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که هدفشان فراهم کردن آزادی بیشتر برای فرد است اطلاق می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۸۰). «از معانی و ویژگی‌های رایج این واژه، گسستن از قید تکلیف است» (Smith & Lockwood, 1976: 400). لیبرالیسم در قاموس سیاسی نظریه‌ای است که خواهان حفظ

درجاتی از آزادی در برابر هر نهادی است. «فردگرایی، نگرش دنیوی، کثرت‌گرایی، بدبینی به قدرت، نفی پدرسالاری، تفکیک قوا، نمودهای ساختاری (حکومت مشروطه، حاکمیت قانون، تفکیک قوا) جزو اصول بنیادین لیبرالیسم هستند» (بشپریه، ۱۳۸۰: ۱: ۱۱). و آن را تنها راه مهار قدرت سیاسی، تأمین مشارکت اجتماعی و تضمین احساس مسئولیت حکام در مقابل مردم می‌شمارند.

آنتونی آربلاستر مؤلف کتاب «ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب» معتقد است ارائه تعریف دقیق و جامع از لیبرالیسم به عنوان یک مکتب سیاسی و اجتماعی کاری بس دشوار، بلکه ناممکن است؛ اما با این حال، تعریف‌های متعددی از سوی نظریه‌پردازان غربی بر این موضوع ارائه شده است (ر.ک: آربلاستر، ۱۳۷۷: ۱۴). «لیبرالیسم را می‌توان به طور دقیق، نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزش‌هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌هاست» (شاپیرو، ۱۳۸۰: ۳). به طور کلی لیبرالیسم در ایران به معنای آزادی‌خواهی رواج یافته است و پیشینه چندانی ندارد.

مؤلفه‌های نظریه معنایی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

نظریه لاکلا و موفه در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیسی: به سوی سیاست رادیکال دموکراسی» در سال ۱۹۸۵ شکل گرفت. این دو، تحلیل گفتمان را از حوزه زبان‌شناسی به عالم سیاست و اجتماع کشیده و با آن به تحلیل‌های اجتماعی پرداختند. «لاکلا و موفه از دو نوع ساخت‌گرایی - ساخت‌گرایی سوسوری و ساخت‌گرایی مارکسیستی - حرکت کرده و با بهره‌برداری و همچنین نقد آن‌ها در نهایت به نظریه‌ای پساساخت‌گرایانه دست یافتند که مطابق آن کل حوزه اجتماع به مثابه نظامی تصور می‌شود که در آن معنا تولید و بازتولید می‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۴).

گفتمان

طبق نظریه لاکلا و موفه، گفتمان یک کلیت ساختارمند است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود و دارای نشانه‌هایی است که با توجه به تفاوت‌هایی که دارند هویت و معنا می‌یابند. «گفتمان‌ها همان تصور و فهم انسان از واقعیت و جهان هستند. بنابراین، معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و از این رو، نسبی است» (Howarth, 2000: 102-107).

مفصل‌بندی

بر اساس رویکرد لاکلا و موفه مفصل‌بندی عبارت است از «تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند» (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۶۵) از این رو هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید، شکل می‌گیرد (ر.ک: تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۵). معنای نشانه‌ها به واسطه مفصل‌بندی، به طور طبیعی، رایج و مرسوم می‌شود. از دیدگاه لاکلا و موفه، تعریف مفصل‌بندی و گفتمان به هم وابسته‌اند: «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر، در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم» (Laclau & Mouffe, 1985: 105). به عبارت دیگر، گفتمان‌ها، مفصل‌بندی مجموعه‌ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک دال برتر قرار گرفته و به زندگی انسان معنا می‌بخشند (ر.ک: خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴).

دال و مدلول

دالالت اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی حقیقی یا انتزاعی در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنای خاص را دال گویند. معنا و مصداقی را که یک دال بر آن دلالت می‌کند، «مدلول» نامیده می‌شود. «مدلول، نشانه‌ای است که با دیدن آن، دال مورد نظر معنا می‌شود» (Laclau & Mouffe, 2002: 140) در نظریه لاکلا و موفه، دال و مدلول نقشی کلیدی را بر عهده دارند.

دال مرکزی

دال مرکزی، دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند و هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد. «مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا همان دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۰). اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که «لاکلا و موفه، ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاص می‌دانند» (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۵). به طور کلی می‌توان گفت «انسجام در گفتمان در سایه مفصل‌بندی دال‌ها، حول دال مرکزی حاصل می‌شود» (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴).

دال شناور

«دال‌های شناور» همان نشانه‌ها و مفاهیمی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش برای معنادهی به آنها می‌باشند. «دال شناور، دالی است که مدلول آن، شناور است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر آن با هم رقابت می‌کنند» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). به عبارت دیگر، دال شناور، دالی است که مدلول‌های متعدد دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند مدلول خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های دیگر (رقیب) را به حاشیه برانند.

دال خالی

کارکرد دال خالی، بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن خویش را دارند. از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر کوتاهی و قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. بنابراین «معنادهی به دال خالی و ارائه تصویر جامعه مطلوب، سبب پویایی و نشاط آن گفتمان می‌گردد» (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹). وجود دال خالی امکان پیش‌بینی شرایط آینده و دوام گفتمان‌ها را میسر می‌سازد. بدین معنا که «هر گفتمانی که بتواند دال‌های خالی را پیش‌بینی و پیش‌یابی کند، می‌تواند حول آن‌ها مفصل‌بندی و نظام معنایی خود را توسعه و خود را به عنوان نمونه آرمانی و مطلوب جلوه دهد و با ایجاد اجماعی نسبی، هژمونیک شده و زمینه شالوده‌شکنی گفتمان حاکم را فراهم آورد» (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۰). «غیبت و خالی بودن، ویژگی دال مرکزی و شرط موفقیت آن در هژمونی است» (Laclau, 1996: 37)

تبدیل عنصر به وقته (لحظه)

انسجام گفتمان‌ها هم به ثبات رابطه دال و مدلول و هم به ثبات رابطه دال‌ها با دال مرکزی وابسته است. وقته‌ها، دال‌هایی هستند که در درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی، تثبیت شده‌اند. یک وقته پیش از ورود به یک مفصل‌بندی گفتمانی، در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد و عنصر نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، عناصر، دال‌های شناوری هستند که در درون یک گفتمان جای نگرفته بلکه از آن طرد و در یک حوزه نسبتاً ایزوله و بریده از مفصل‌بندی گفتمان حاکم واقع شده‌اند. پس در نتیجه، از نظر لاکلا و موفه گفتمان عبارت از تلاشی برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی‌شان به یک معنای تثبیت شده است.

حوزه گفتمان گونگی

برای اشاره به فضای خارج از گفتمان، لاکلا و موفه از اصطلاح حوزه گفتمان گونگی استفاده می‌کنند. حوزه گفتمان گونگی اشاره به حوزه‌ای دارد که یک دال پیش از مفصل‌بندی شدن در یک گفتمان در آن قرار دارد. در میان گفتمان‌ها، نزاع دائم برای تثبیت یک معنا در رابطه با دال و تبدیل آن از عنصر به وقته وجود دارد. لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند در حوزه گفتمان گونگی قرار می‌دهند. بنابراین «سرریز معانی یک دال یا نشانه به حوزه گفتمان گونگی با هدف ایجاد یک دستی معنایی در یک گفتمان انجام می‌شود» (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: ۱۱۱).

توقف و بی‌قراری

وقتی که یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقته یا لحظه تبدیل می‌شود، انسداد یا توقف که همان تثبیت معنای نشانه‌ها است رخ می‌دهد. این تثبیت تحت اراده هژمونیک به ثبات موقت گفتمان منجر می‌شود. لازمه تثبیت انسداد و توقف، برجسته‌سازی معنای مورد نظر خود و طرد و به حاشیه‌رانی معنای رقیب است. اساساً تثبیت معنا امری موقت است و همواره امکان تزلزل معنایی تثبیت یافته در درون گفتمان وجود دارد. «لاکلا و موفه این امکان را بی‌قراری می‌نامد و تمام بحران‌های جامعه معاصر را با این مفهوم توضیح می‌دهد» (Laclau, 1990: 60).

ساختار شکنی

ساختار شکنی نقطه مقابل انسداد و توقف است و بر این امر تأکید دارد که «برای از بین بردن هژمونی و سلطه یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر وقته به دال شناور فراهم آید و گفتمان‌های رقیب بتوانند در این فضای ناآرام و ملتهب پدید آمده، مدلول خاص خود را به دال مرکزی مورد نظر الصاق و نظام معنایی خویش را تثبیت کنند» (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۱).

ضدیت و غیریت

هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد. «گاه در برابر یک گفتمان غیره‌ای متعدد وجود دارد که آن گفتمان از آن‌ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌نماید» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۱). «اهمیت مفهوم غیریت یا ضدیت در آن است که اشیاء ذات و هویت

ثابتی ندارند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند. خصومت، امری بیرونی است و باعث شکل‌گیری و انسجام گفتمان و نیز تهدید آن می‌شود» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۵). لاکلا و موفه معتقدند وجود غیر، هم‌مایه انسجام‌بخشی به هویت گفتمان است و هم آن را از رقبای دیگر متمایز می‌کند.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

این دو مفهوم با مفهوم ضدیت و غیریت‌سازی ارتباط دارد. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت به اطراف خود است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است. گفتمان‌ها به کمک همین سازوکار است که با تأثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها اقدام به تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص می‌کنند و در واقع مدل‌های خاصی را به دال مرکزی گفتمانی می‌چسبانند و آن را هژمونیک می‌کنند و هم‌زمان سعی می‌کند با ساختار شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، مدل‌هایش را از دالش جدا کرده و هژمونی‌اش را بشکند.

اسطوره‌سازی و وجه استعاره‌ای گفتمان تا تبدیل به تصور اجتماعی

گفتمانی می‌تواند به شرایط ظهور و بروز برسد که بتواند به اسطوره تبدیل شود؛ چرا که همیشه گفتمان‌ها با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی همراه هستند و گفتمان حاکم سعی دارد از این فضا و شرایط و با توانمند نشان دادن خود در برون رفت از این شرایط برای هژمونیک کردن خود بهره ببرد. بدین جهت گفتمان‌های دیگر تصویر روشنی از آینده حضور خویش به سوژه‌ها ارائه می‌دهند که در آن شرایط، دیگر خبری از مشکلات نیست. لاکلا این تصویر آرمان‌گرایانه را اسطوره نام می‌نهد. «جامعه شکل‌یافته کنونی نیز خود یک تصور اجتماعی عینیت‌یافته است، یک اسطوره مجسم و تبلور یافته که اکنون دچار بحران گردیده و متزلزل شده است. در شرایط متزلزل، اسطوره‌های جدید شکل می‌گیرند و گفتمان‌های بدیل را می‌سازند» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴).

موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی

لاکلا و موفه از دو مفهوم موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی برای تبیین جایگاه سوژه استفاده کرده‌اند و به سوژه نیرویی پیش‌راننده بخشیدند، نیرویی که سوژه را وامی‌دارد همواره

در میان گفتمان‌های مختلف در پی یافتن خودش باشد. از این رو از آنجا که گفتمان حاکم، هویت‌ها و روابط اجتماعی و همه چیز را تعیین می‌کند، در نتیجه هویت سوژه نیز در درون گفتمان معین می‌شود. سوژه به عنوان عامل سیاسی یا کارگزار، دست به عمل سیاسی می‌زند و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش طلبیده و نظم مورد نظر خویش را بر جامعه و گفتمان، حاکم می‌سازد. «همواره تکتّری از موقعیت‌ها و گفتمان‌ها وجود دارد که انسان در آن‌ها می‌تواند به هویت دست یابد. بنابراین، هر فرد می‌تواند موقعیت‌های سوژه‌ای مختلف داشته باشد» (Howarth & etc, 2000: 13).

بحث

سنت‌شکنی و مبارزه، در پیرامون آزادی و آرمان استقلال، شاکله گفتمان لیبرالیستی در شعر «به علی گفت مادرش روزی» سروده فروغ فرخزاد را شکل می‌دهد.

دال مرکزی

«آزادی» از روزمره‌گی و ایستایی و رسیدن به استقلال، هسته مرکزی منظومه گفتمان لیبرالیستی را در این شعر از فروغ، تشکیل می‌دهد و سایر نشانه‌ها با روابط دالی و مدلولی خود به عنوان دال‌های وقته‌ای در «گفتمان لیبرالیستی» مفصل‌بندی می‌شوند. گفتمان لیبرالیستی در این شعر فروغ فرخزاد با اندیشه دست‌یابی به دنیای آرمانی و زندگی سرشار از آرامش و کامیابی و البته آزادی خواهی وی پیوند ناگسستی دارد. این اندیشه بسیار دیرین بوده و ذهن بشر را از دیرباز به خود مشغول کرده است و در پی چنین باوری بسیاری از نویسندگان و شاعران به شیوه‌های گوناگون در آثار خویش بدان پرداخته‌اند. فروغ فرخزاد در این شعر به سبب ناخرسندی و نفرت از دنیای واقعی و درشت‌ناکی و ناکامی‌های آن و در آرزوی رهایی از این همه ناگواری، به آفرینش و القای دنیایی سراسر شکوه و آرامش و کامرانی در فراسوی واقعیت پرداخته است. او آرزوی دیرین خود را از دیدگاه و زبان کودکی به نام علی بازمی‌گوید و بدین گونه به شیوه‌ای نمادین در پی القای اندیشه دنیای آرمانی بر می‌آید و نفرت و بدبینی‌اش را نسبت به واقعیت آشکار می‌کند. شعر یاد شده که به زبانی عامیانه و بسیار صمیمی سروده شده داستان خواب دیدن «علی کوچیکه» می‌باشد. علی بعد از آنکه یک شب، ماهی‌ای را در خواب می‌بیند شیفته او می‌شود و پس از توصیف‌های ماهی از دنیای زیر دریا و زیبایی‌های آن، دعوتش را برای سفر به آنجا می‌پذیرد و به او می‌پیوندد. این شعر در نگاه

نخست با دنیای کودکانه شخصیت داستان یعنی علی، سخت تطابق دارد و از آنجا که در عالم رویا می‌گذرد با اندیشه‌ی بازنموده در آن نیز مناسبتی عجیب یافته است و در سطح دیگرش آنگاه که نمادها باز کاوی می‌شوند شعری است که اندیشه‌ی بزرگ و دیرین را در خود نهفته دارد و در حقیقت، بازتاب و برساخته‌ی ذهن و اندیشه‌ی شاعری است که حرف‌های خود را بر زبان کودکی نهاده و با این زبان کودکانه، از دنیای رویایی خویش پرده بر می‌دارد و نفرتش را از واقعیت، آشکار می‌کند و در پی پناه‌گاهی است در فراسوی واقعیت، تا از این همه رنج و ناکامی بیاساید و به آزادی برسد. حوض پرآب در این شعر دریچه ایست به سوی آزادی.

راه آب بود و قرقر آب

علی کوچیکه و حوض پرآب

(فرخزاد، ۱۳۶۸، ۳۶۵)

اگر فروغ، دریا را به تنهایی به آزادی تشبیه می‌کرد آنچنان کار مهمی انجام نداده بود؛ بلکه هنر وی در جایی نمایان می‌شود که در بستر دریا به تقابل با اسارت پرداخته است و با آوردن «گله‌های بدون چوپون»، «دالونای بدون پایون» و «قصرهای بدون دربون» سعی در ارائه این مطلب دارد که آزادی و رهایی از اسارت لازم و ملزوم یکدیگر هستند و بدون رهایی از بند و اسارت آزادی معنایی ندارد. انسان تا وقتی که پای‌بند نگرهبانی دیگری است آزاد نیست و اما مبارزان راه آزادی باید خود را به آب بزنند تا بتوانند به دریای بزرگ رهایی برسند، به آزادی‌ای که فروغ آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

سه چار تا منزل که از اینجا دور بشیم

به سبزه زارای همیشه سبز دریا می‌رسیم

به گله‌های کف که چوپون ندارن

به دالونای نور که پایون ندارن

به قصرای صدف که دربون ندارن

(همان، ۳۶۹)

در شعر مذکور از فرخزاد، آزادی به معنای رهایی از کلیشه‌ها و سنت‌هاست و شرط لازم برای این کار آزد ساختن خود از قید آنهاست.

وقته‌ها

سنت‌شکنی و مبارزه برای آزادی از مهم‌ترین دال‌هایی هستند که به عنوان وقته در پیرامون دال مرکزی (آزادی و استقلال) در «گفتمان لیبرالیستی» مفصل‌بندی می‌شوند و هر یک در گفتمان لیبرالیستی معنادار می‌شوند.

سنت‌شکنی

سنت و مدرنیته همیشه در اعصار تاریخ در جدال با یکدیگر بوده‌اند. در گفتمان غالب زمان فروغ، لیبرالیسم بیشتر حول سنت‌ها و حفظ آن معنی می‌یافت؛ به تعبیری، آزادی و سربلندی انسان در گرو حفظ و گرامیداشت سنت‌ها بود و آزادی فردی و آزادی انتخاب آنگونه که در غرب شکل گرفته بود در ایران معنایی نداشت. الیوت در مقاله خود با عنوان «سنت و ذوق فردی» اینگونه از سنت یاد می‌کند: «اگر سنت، محدود باشد به پیروی کورکورانه از دستاوردهای نسل قبل، امری نکوهیده است» (الیوت، ۱۳۸۳، ۱۱۲). لایون می‌گوید: «اگر در جامعه سنتی، هویت امری از پیش داده شده است، در مدرنیته، هویت ساخته می‌شود» (لایون، ۱۳۸۰، ۴۴) و به اعتقاد جمادی «سنت بدون تجدد می‌پوسد» (جمادی، ۱۳۸۵، ۵۶).

از دیدگاه فروغ، آزادی و سنت شکنی پیوند ناگسستنی باهم دارند زیرا اگر کسی بخواهد به آزادی برسد باید سنت‌ها را رها کند و به فکر تغییر باشد. در این بند از شعر، انتقاد از روزمرگی وجود دارد و عادت به سنت‌ها دلیل تکراری بودن روزها می‌باشد. باد که پیام قشر پیشرو را در جامعه می‌پیچاند و نماد سنت‌شکنی است با صدای اعتراض قورباغه‌ها که نماد مردم عادت کرده به سنت‌های جامعه و روال معمول زندگی هستند روبه رو می‌شود. اما علی که شاهد دو جریان فکری نو و سنتی است در مقام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

همچی که باد آروم می‌شد

قورباغه‌ها از ته باغچه، زیر آواز می‌زدن

شب مَث هر شب بود و چند شب پیش و شب‌های دیگه

امو علی

تو نخ یه دنیای دیگه

علی کوچیکه

سحر شده بود

نقره نابش رو می‌خواس
ماهی خوابش رو می‌خواس
راه آب بود و قُرُقُر آب
علی کوچیکه و حوض پر آب

(فرخزاد، ۱۳۶۸، ۳۶۴)

ولی در ادامه اطرافیان علی که قشر سنتی جامعه را تشکیل می‌دهند و دیالکتیک ماندگی را در پیش گرفته‌اند، او را به دل سپردن به زندگی روزمره و سرگرمی‌هایش تشویق می‌کنند. آن‌ها در عافیت و بی‌خطر بودن محافظه‌کاری و در برابر آن، خطرناک و غیر قابل برگشت بودن حرکت ریشه‌ای و پیوستن به مبارزان قشر پیش‌رو را بیان می‌کنند تا علی را پای‌بند به زندگی معمولی کنند.

علی کوچیکه
نکنه تو جات وول بخوری
حرفای ننه قمر خانم
یادت بره، گول بخوری
تو خواب، اگه ماهی دیدی خیر باشه
خواب کجا؟ حوض پر از آب کجا؟
آب مٹ خواب نیس که آدم
از این سرش فرو بره
از اون سرش بیرون بیاد
تخت فنری بهتره، یا تخته مرده‌شورخونه؟
گیرم تو هم خودتو به آب شور زدی
ماهی چیه؟ ماهی که ایمون نمی‌شه، نون نمی‌شه
اون یه وجب پوست تنش، واسه فاطمی تنبون نمی‌شه

(همان، ۳۶۵)

اما در آخر گفتمان حاکم با زشت نشان دادن چهره گفتمان رقیب، سعی در حذف آن دارد. تحلیل گفتمانی در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موفه، تحلیل منازعات معنایی میان

گفتمان‌های متخاصم است. هر گفتمانی با تضعیف و به حاشیه راندن گفتمان رقیب، هویت خود را تعیین می‌کند.

دس که به ماهی بزنی

از سرتاپات بو می‌گیره

بوت تو دماغا می‌پیچه

دنیا ازت رو می‌گیره

(همان، ۳۶۶)

شاعر به نوعی تقابل دو نسل را نشان می‌دهد و وقایعی را که در تغییر معرفت جامعه در حال شکل‌گیری است، بیان می‌کند؛ حرکت‌هایی که توسط قشر پیشرو به صورت درون‌زا، در حال شکل‌گیری است و سنت‌های جامعه را برهم می‌زند و همچنین با بیان سختی‌های این راه سعی در ساختارشکنی هژمونی گفتمان حاکم که همان سنت‌ها هستند را دارد و می‌خواهد که عنصر سنت‌شکنی را به وقته تبدیل کند.

مبارزه برای آزادی

از دیگر نشانه‌های «گفتمان لیبرالیستی» در این شعر فروغ که پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شود و به مدلول خاص اشاره دارد، مبارزه است که لازمه استقلال و رسیدن به آزادی می‌باشد. در دیدگاه وی «مبارزه» لازمه تحقق آزادی و استقلال انسان است. علی در فکر ماهی غرق است، بدین معنی که به افکار و ایدئولوژی قشر پیشرو فکر می‌کند و دیگر خواب و خوراک ندارد. باد هم همانطور که بیان شد پیام قشر پیشرو را در جامعه می‌پیچاند و روزمرگی عادت‌ها را برهم می‌زند و با برانگیختن شوری جدید در جامعه دعوت به مبارزه را به همراه دارد.

باد توی بادگیرا نفس نفس می‌زد

ژئلفای بیدو می‌کشید

از روی لنگای دراز گل آغا

چادر نماز کودری شو پس می‌زد

روبند رخت

پیرهن زیرا و عرق‌گیرا

دس می‌کشیدن به تن هم‌دیگه و حالی به حالی می‌شدن

انگار که از فکرای بد
هی پُر و خالی می‌شدن

(همان، ۳۶۴)

علی با تفکر در خویشتن و اوضاع جامعه و نیز تطبیق عقاید سنتی نسبت به عقاید نو، در خود احساس مسئولیت می‌کند و با اختیار، دیالکتیک تازگی و پیوستن به جنبش و مبارزه را برمی‌گزیند. علی از راه حوض که راه وصل شدن به دریای پر خروشان مبارزه و انقلاب است و انسان را از روزمرگی‌ها جدا کرده و به تکاپو و حرکت انقلابی پیوند می‌دهد به صف قشر پیشرو می‌پیوندد.

علی کوچیکه
نشسته بود کنار حوض
حرفای آبو گوش می‌داد
انگار که از اون ته‌ها
از پشت گل‌کاری نورا، یه کسی صداش می‌زد
آه می‌کشید

(همان، ۳۶۹)

شاعر بر حرکت و عمل کردن تأکید بسیاری دارد، چرا که در شعر، ماهی آمده که علی را با خود ببرد و به کنش و عمل برای اصلاح جامعه و تغییر ساختارهای غلط با بیان جمله نمادین «دادم تمام سرسزارو آب و جارو بکنن» اشاره می‌کند. فروغ در این شعر پیوستن جوانان و نوجوانان به گروه‌های مبارز و جنبش آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر استثمار و استبداد را بیان کرده و خواستار آن است زیرا که جوانان در ساختارها و سنت‌های جامعه غرق نشده‌اند و هنوز می‌توانند مستقل فکر کنند، تصمیم بگیرند و کنشی در برابر ساختارها انجام دهند و بدین وسیله به آزادی و استقلال برسند.

انگار می‌گفت: «یک دو سه
نپیدی؟» هه هه هه
من توی اون تاریکیای ته آیم به خدا
حرفمو باور کن، علی

ماهی خوابم به خدا
دادم تمام سرسزارو آب و جارو بکنن
پرده‌های مرواری رو
این رو و اون رو بکنن
به نوکرای باوفام سپردم
کجاوه بلورمم آوردم

(همان)

در گفتمان لیبرالیستی، مبارزه در برابر سنت‌ها برای رسیدن به آمال ملی متبلور می‌شود و در پیوند با دال مرکزی (آزادی و استقلال) و در کنار سایر دال‌ها، مفصل‌بندی می‌شود و معنایی گفتمانی می‌یابد. فروغ نیز برای تحقق استقلال سرزمینش، همگان را به مبارزه فرامی‌خواند.

ضدیت و غیریت

در برابر «گفتمان لیبرالیستی»، غیرهایی وجود دارد که از آن‌ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های متفاوت استفاده می‌کند. در شعر «به علی گفت مادرش روزی» عادت کردن به سنت‌های معمول و روزمرگی، غیر به شمار می‌روند و باعث شکل‌گیری و انسجام گفتمان لیبرالیستی می‌شوند. بنابراین، در این شعر فروغ، «گفتمان لیبرالیستی» در ضدیت با سنت‌ها هویت می‌یابد. از سوی دیگر، «گفتمان لیبرالیستی» با برجسته‌سازی دال‌های خود و با حاشیه‌رانی دال‌های غیر، «گفتمان حاکم» را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. شاعر در این بند از شعر، تقابل نحوه تفکر و صحبت‌های نسل جدید را با صحبت‌ها و نحوه تفکر نسل قدیم در مبحث قبلی نشان می‌دهد. نسل پیش‌رو، زندگی سنتی را بدون تفکر و عاری از تعالی و رشد استعدادهای انسان می‌داند و خواهان تفکر در زندگی روزمره و دیدن واقعیت‌ها از دیدگاهی تازه است. شاعر از زبان ماهی به پدیدارشناسی اوضاع جامعه می‌پردازد و واقعیت و ماهیت اصلی این ظاهر گول‌زننده را برای علی نمایان می‌کند. او بوی تعفن چرک را در درون کالبد به ظاهر سالم و زیبای جامعه تشخیص می‌دهد و در کسوت یک روشن‌فکر، بیماری جامعه را که سرانجام آن را از درون متلاشی خواهد کرد، پیش‌بینی می‌کند و خطر استبداد و سنت‌های غلط را گوش‌زد می‌کند.

حوصله آب دیگه داشت سر می‌رفت

خودشو می‌ریخت تو پاشوره، در می‌رفت
انگار می‌خواس تو تاریکی
داد بکشه: «آهای زکی!»
این حرفا، حرف اون کسونیس که اگه
یه بار تو عمرشون زد و یه خواب دیدن
خواب پیاز و ترشی و دوغ و چلوکباب دیدن
ماهی چیکار به کار یه خیک شیکم تغار داره
ماهی که سهله، سگشم
از این تغارا عار داره ...
می‌برتش، می‌برتش
از توی این دنیای دلمرده چار دیواریا
نق نق نحس ساعتا، خستگیا، بیکاریا ...
تو توپخونه
تماشای دار زدن ...
می‌برتش، می‌برتش، از توی این همبونه کرم و کثافت و مرض
به آبیای پاک و صاف آسمون می‌برتش
به سادگی کهکشون می‌برتش.

(همان، ۳۶۸-۳۶۷)

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

«گفتمان لیبرالیستی» با برجسته کردن وقته‌ها و معنای تازه بخشیدن بدان‌ها، در واقع مدلول خاصی را به دال مرکزی خود، «آزادی و استقلال» چسبانده و آن را هژمونیک می‌کند و با ساختارشکنی دال مرکزی گفتمان حاکم که پیوند تنگاتنگ با سنت و روزمره‌گی دارد آن را به حاشیه می‌راند. این حاشیه‌رانی در اذهان سوژه‌ها موجب از میان رفتن استیلای گفتمان رقیب و هژمونی گفتمان لیبرالیستی می‌شود. علی‌نصف شب خواب ماهی می‌بیند و همانطور که گفته شد ماهی نماد مبارزان راه آزادی و قشر پیشرو است و علی‌در نیمه شب استبدادی در یک جامعه سنتی، عاشق ماهی‌ای می‌شود که در خواب دیده است. البته او عاشق اهداف مبارزه،

ایدئولوژی، نحوه تفکر و عملکرد ماهی شده است و با نحوه جدیدی از تفکر و کنش در زندگی آشنا شده که وی را دچار تحول فکری کرده است، این تفکرهای جدید برای علی، معنی و واقعیت زندگی اجتماعی را تداعی می‌کند. در اینجا شاعر با برجسته سازی عنصر مبارزه و سنت شکنی، سعی دارد که این عناصر را به دال مرکزی یعنی آزادی و استقلال بچسباند و دال مرکزی را به وسیله این مدلول‌ها معنادار کند و بدینوسیله باعث هژمونیک شدن آن شود.

چی دیده بود؟

خواب یه ماهی دیده بود

یه ماهی، انگار که یه کپه دوزاری

انگار که یه طاقه حریر

همچی یواش

خودشو رو آب دراز می‌کرد

که بادبزنی فرنگیاش

صورت آبی ناز می‌کرد

انگار تو آب، گوهر شب چراغ می‌رفت

انگار که دختر کوچیکه شاپریون

تو یه کجاوه بلور

به سیر باغ و راغ می‌رفت

هر چی که بود

علی کوچیکه

محو تماشا شده بود

واله و شیداش شده بود.

(همان، ۳۶۳-۳۶۱)

در ادامه شعر، شاعر با انتقاد از وضعیت موجود از زبان ماهی، به ساختارشکنی دال مرکزی گفتمان رقیب پرداخته و با جداکردن مدلول سنت‌ها و روزمرگی از این دال، هژمونی‌اش را شکسته و به وسیله حاشیه‌رانی وقته‌های گفتمان حاکم، باعث تزلزل معنای تثبیت یافته این وقته‌ها شده است.

ای علی، من بیچه دریام، نفسم پاکه، علی
دریا همونجاس که همونجا آخر خاکه، علی
هر کی که دریا رو به عمرش ندیده
از زندگیش چی فهمیده؟
خسته شدم، حالم بهم خورده از این بوی لجن
انقده پا بپا نکن که دوتایی
تا خرخره فرو بریم توی لجن
پپر بپا، وگر نه ای علی کوچیکه
مجبور می‌شم بهت بگم نه تو، نه من

(همان، ۳۷۰)

اسطوره‌سازی آزادی و استقلال و تبدیل آنها به تصور اجتماعی

با توجه به اینکه گفتمان‌ها با اسطوره شدن به ظهور می‌رسند و به دلیل اینکه مفهوم «استقلال و آزادی» در زمان سرایش این شعر با بحران معنا روبه‌رو و دچار بی‌قراری شده بود از این رو، گفتمان رقیب با ارائه فضای آرمانی و مبارزه با سنت‌ها برای رسیدن به استقلال واقعی که در آن مشکلات و بحران‌ها از بین خواهد رفت به دنبال رهایی از این بی‌قراری و خلق یک عینیت اجتماعی جدید برآمده و در اذهان سوژه‌ها به بازتولید معناهای تازه‌ای پرداخته است. در این شعر، مبارزه با سنت‌ها، به عنوان دال خالی گفتمان حاکم، باعث شکل‌گیری گفتمان لیبرالیستی شده و در دوران بی‌قراری این گفتمان، توانسته به یک اسطوره تبدیل شود هم‌چنین توانسته از این دال‌های خالی، تصویری آرمانی در اذهان سوژه‌ها پدید آورد. شاعر در اینجا از دنیای باشکوه و پراز آرامش درون دریا و سرزمین همیشه سبز آن و از «قصرهای صدف» و «دالان‌های نور» خبر می‌دهد و بدین‌گونه در پی آفرینش و القای آرمان‌شهری برمی‌آید که اسطوره‌ای برای ظهور گفتمان لیبرالیستی می‌باشد.

سه چار تا منزل که از اینجا دور بشیم
به سبزه زارای همیشه سبز دریا می‌رسیم
به گله‌های کف که چوپون ندارن
به قصرای صدف که پایون ندارن

یادت باشه از سر راه
هف هف تا دونه مرواری
جمع کنی که بعد باهاشون تو بیکاری
یه - قل دو - قل بازی کنیم
ای علی، من بچه دریام، نفسم پاکه، علی
دریا همونجاس که همونجا آخر خاکه، علی
هر کی که دریا رو به عمرش ندیده
از زندگیش چی فهمیده؟

(همان، ۳۷۰-۳۶۹)

در آخر اسطوره «استقلال و آزادی» به عنوان دال مرکزی «گفتمان لیبرالیستی» با مفصل بندی دال‌های شناور خود توانسته آنها را به ثبات معنایی برساند و خود نیز هویت بیابد و بدین ترتیب، تبدیل به یک تصور اجتماعی شده است.

انسان مبارز به مثابه سوژه سیاسی

با توجه به اینکه بی‌قراری گفتمان حاکم، باعث تزلزل و زوال آن می‌گردد در این شعر «انسان مبارز» به عنوان یک کارگزار یا عامل سیاسی در «گفتمان لیبرالیستی» ظهور می‌یابد و به عنوان سوژه برای تحقق آرمان آزادی و استقلال، دست به فعالیت زده و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش می‌کشد. در این شعر، ماهی به عنوان «انسان مبارز» به شکل‌های بدیع برای تحقق «آزادی و استقلال» عمل می‌کند. فروغ با استفاده از رفتارهای گفتمانی مبارزان راه آزادی به شکل‌های مختلف رهنمون فعالیت انسان مبارز بوده است. در جای جای این شعر، ماهی به مثابه سوژه سیاسی در پی یافتن جایگاه خود و هویت بخشی به گفتمان لیبرالیستی می‌باشد.

ماهی چیکار به کار یه خیک شیکم تغار داره

ماهی که سهله، سگشم

از این تغارا عار داره

ماهی تو آب می‌چرخه و ستاره دس چین می‌کنه

(همان، ۳۶۷)

علی کوچیکه نیز به عنوان کودک درون فروغ به مثابه انسان مبارز بروز کرده و در پایان با

تفکر در خویشتن و اوضاع جامعه و نیز تطبیق عقاید سنتی نسبت به عقاید نو، در خود احساس مسئولیت می‌کند و با اختیار، دیالکتیک تازگی و پیوستن به جنبش و مبارزه را برمی‌گزیند که برای چیدن میوه ممنوعه آزادی، تمام خطرات را به جان می‌خرد.

آب یهو بالا اومد و هُلفی کرد و تو کشید

انگار که آب جفتشو جست و تو خودش فرو کشید

دایره‌های نقره‌ای

توی خودشون

چرخیدن و چرخیدن و خسته شدن

موجا کشاله کردن و از سرنو

به زنجیره‌ای ته حوض بسته شدن

قل قل قل تالاپ تالاپ

چرخ می‌زدن رو سطح آب

تو تاریکی، چن تا حباب

«علی کجاس؟»

«تو باغچه!»

«چی میچینه؟»

«آلوچه!»

آلوچه باغ بالا

جرأت داری؟ بسم‌الله!

(همان، ۳۷۱-۳۷۰)

نتیجه‌گیری

فروغ فرخزاد در شعر «به علی گفت مادرش روزی» با واکنش لیبرالیستی به مبارزه با سنت‌ها و روزمره‌گی‌ها پرداخته است. بنابر نظریه گفتمانی لاکلا و موفه در این شعر، سنت‌شکنی و مبارزه برای آزادی مهمترین دال‌های شناوری هستند که به عنوان دال خالی گفتمان حاکم در پیرامون دال مرکزی گفتمان لیبرالیستی یعنی آزادی و استقلال مفصل‌بندی و معنادار شده‌اند. سنت‌شکنی و مبارزه با آزادی و استقلال پیوند ناگسستنی دارند و به عبارتی تنها راه رسیدن به

دریای آزادی می‌باشند. عادت کردن به سنت‌های معمول و روزمره‌گی غیرهایی هستند که گفتمان لیبرالیستی با ضدیت و حاشیه‌رانی آنها گفتمان حاکم را تهدید کرده و با برجسته‌سازی دال‌های سنت‌شکنی و عقاید نو موجب از بین رفتن قدرت گفتمان حاکم و هژمونی گفتمان خود می‌شود و به همین دلیل در ضدیت با سنت‌ها هویت می‌یابد. انتقاد از وضعیت موجود از زبان ماهی باعث شده است تا ساختارشکنی گفتمان رقیب انجام پذیرد و بعد از تزلزل معنای تثبیت شده هفته‌ها، هژمونی‌اش بشکند. در شرایط بی‌قراری اجتماعی-سیاسی گفتمان حاکم، آزادی و استقلال با بحران معنا روبه‌رو بوده و به دال خالی تبدیل شده بود و گفتمان لیبرالیستی توانست با اسطوره‌سازی انسان مبارز و با ایجاد فضای آرمانی، معنا و مفهوم تازه‌ای به آزادی و استقلال دهد و آن را به دال مرکزی خود تبدیل کند.

ماهی و علی در این شعر، انسان‌های مبارزی هستند که نمادی از جوانان و نوجوانان مبارز می‌باشند و پیوستن به جنبش‌های آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر استثمار و استبداد وظیفه آنها است تا بتوانند از ساختارها و سنت‌های جامعه بیرون رفته و به دریای پرشکوه آزادی و استقلال دست یابند.

منابع

کتاب‌ها

آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷) *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

آشوری، داریوش (۱۳۷۳) *دانش‌نامه سیاسی، ویرایش دوم*، تهران: نشر مروارید.
بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم*، جلد ۱، چاپ ۳، تهران: نشر نی.

بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹) *مقدمه تحلیل انتقادی گفتمان*، چاپ ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) *گفتمان: پادگفتمان و سیاست*، چاپ ۱، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه انسانی.

حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶) *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه مفید.

حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷) *روشن‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.

سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۱) *قدرت، گفتمان و زبان*، چاپ ۳، تهران: نشر نی.
شاپیرو، جان سالوین (۱۳۸۰) *لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن*، ترجمه محمدسعید حنایی، تهران:
نشر مرکز.

فرخزاد، فروغ (۱۳۶۸) *مجموعه کامل اشعار*، چاپ ۱، آلمان: انتشارات نوید.
لایون، دیوید (۱۳۸۰) *پسامدرنیته*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: آشتیان.
مک دانل، دایان (۱۳۸۰) *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، چاپ ۱، ترجمه حسینعلی نودری، تهران:
انتشارات فرهنگ گفتمان.
میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳) *فرآیند تحلیل گفتمان*، چاپ ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات
رسانه.

یورگنس، ماریان، فیلیپس، لوییز (۱۳۸۹) *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، چاپ ۱، ترجمه
هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

مقالات

الیوت، تی. اس. (۱۳۸۳). *سنت و ذوق فردی (گزارشی از مقاله)*. ترجمه سعید سعیدپور.
مجله گوه‌ران، (۶)، ۱۱۱-۱۱۳.

جمادی، سیاوش. (۱۳۸۵). *انسان تا هست. ماهنامه خردنامه*، ۳(۵)، ۶۱-۴۸.
حسینی زاده، محمدعلی. (۱۳۸۳). *نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی*،
۷(۴)، ۱۸۱-۲۱۲.

سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). *تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. فصلنامه علوم سیاسی*،
۷(۲۸)، ۱۵۳-۱۸۰.

سلیمی، اصغر. (۱۳۸۳). *گفتمان در اندیشه فوکو. کیهان فرهنگی*، (۲۱۹)، ۵۵-۵۰.
فاضلی، محمد. (۱۳۸۳). *گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهشنامه علوم انسانی و*
اجتماعی، ۴(۱۴)، ۸۰-۱۰۶.

فیلیپ، مارک. (۱۳۸۱). *میشل فوکو. فصلنامه سیاسی- اجتماعی گفتمان*، ترجمه یعقوب
موسوی، (۵)، ۱۵۷-۱۷۸.

کسرابی، محمدسالار، پوزش شیرازی، علی. (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاریکارآمد*
در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. *فصلنامه سیاست*، ۳۹(۳)، ۳۳۹-۳۶۰.

لطفی پورساعدی، کاظم. (۱۳۷۲). درآمدی به سخن کاوی. *مجله زبان‌شناسی*، ۱۰(۱)، ۴۰-۹. مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲ (۲ پیاپی ۶)، ۹۱-۱۲۴.

پایان‌نامه

خلجی، عباس. (۱۳۸۶). *ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۷۴-۱۳۷۶)*، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- Howarth, David (2000) *Discourse*, Buckingham, Open: University Press.
Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (2001) *Hegemony and Socialist Strategy, Towards a Radical Democratic Politics*, London: Verso.
Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (2002) *Antonio Gramsci, Critical Assessment of leading Political Philosophers*, London: Routledge.
Laclau, Ernesto (1994) *The Making of Political Identities*, London: Verso.
Laclau, Ernesto (1996) *Emancipation*, London: Verso.
Smith, William & Lockwood, John (1976) *Chambers Murray Latin-English Dictionary*, Morrison & Gibb Ltd London and Edinburg.

References

Books

- Arblaster, Anthony (1998) *The Rise and Fall of Western Liberalism*, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz Publishing.
Ashouri, Dariush (1994) *Political Encyclopedia*, Second Edition, Tehran: Morvarid Publishing.
Bahrapour, Shaban Ali (2000) *Introduction to Critical Discourse Analysis*, 1st Edition, Tehran: Center Studies and Media Research.
Bashirieh, Hossein (2001) *History of Twentieth Century Political Thoughts*, Volume 1, Edition 3, Tehran: Ney Publishing.
Farrokhzad, Forough (1989) *Complete collection of poems*, 1st edition, Germany: Navid Publications.
Haghighat, Seyed Sadegh (2008) *Methodology of Political Science*, Qom: Mofid University.
Hosseinizadeh, Seyed Mohammad Ali (2007) *Political Islam in Iran*, Qom: Mofid University.
Jurgens, Marian, Phillips, Louise (2010) *Theory and Method in Discourse Analysis*, 1st Edition, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.
Lyon, David (2001) *Postmodernity*, translated by Mohsen Hakimi, Tehran: Ashtian.
McDonnell, Dayan (2001) *Introduction to Discourse Theory*, 1st Edition, translated by Hossein Ali Nozari, Tehran: Farhang Gofman Publications.

Mirfakhraei, Teja (2004) *Discourse Analysis Process*, 2nd Edition, Tehran: Center for Media Studies and Research.

Shapiro, John Salvin (2001) *Liberalism: Its Meaning and History*, translated by Mohammad Saeed Hanaei, Tehran: Markaz Publishing.

Soltani, Ali Asghar (2012) *Power, Discourse and Language*, 3rd Edition, Tehran: Ney Publishing.

Tajik, Mohammad Reza (2004) *Discourse: Anti-Discourse and Politics*, 1st Edition, Tehran: Institute for Human Research and Development.

Articles

Elliott, T.S. (2004). Tradition and individual taste (report from the article). Translated by Saeed Saeedpour. *Gohran Magazine*, (6), 113-111.

Fazeli, Mohammad (2004). Discourse and Critical Discourse Analysis. *Journal of Humanities and Social Sciences*, 4 (14), 106-80.

Hosseinizadeh, Mohammad Ali (2004). Discourse theory and political analysis. *Political Science Quarterly*, 7 (4), 181-212.

Jamadi, Siavash (2006). Man is up. *Wisdom Monthly*, 3 (5), 61-48.

Kasraei, Mohammad Salar, Poozesh Shirazi, Ali. (2009). Laclau and Mouffe's theory of discourse is an effective tool in understanding and explaining political phenomena. *Politics Quarterly*, 39 (3), 339-360.

Lotfi Poursaedi, Kazem. (1993). An income from mining. *Journal of Linguistics*, 10 (1), 40-9.

Moghaddami, Mohammad Taqi (2011). The theory of Laclau and Mouffe discourse analysis and its critique. *Socio-cultural knowledge*, 2 (2 consecutive 6), 124-91.

Philip, Mark. (2002). Michelle Foucault. *Socio-Political Quarterly of Gofman*, translated by Yaghoub Mousavi, (5), 157-178.

Salimi, Asghar (2004). Discourse in Foucault's thought. *Cultural Universe*, (219), 55-50.

Soltani, Ali Asghar (2004). Discourse analysis as theory and method. *Political Science Quarterly*, 7 (28), 153-180.

Theses

Khalaji, Abbas. (2007). *Theoretical mismatches and political failures of reformist discourse (1997-1997)*, PhD thesis, University of Tehran.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkoda)

Volume 14, Number 52, Summer 2022, pp. 116-141

Date of receipt: 10/5/2020, Date of acceptance: 12/7/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.692016](https://doi.org/10.30495/dk.2022.692016)

۱۴۱

Liberal Discourse Analysis of Forough Farrokhzad's Poem "Ali told His Mother One Day" based on Laclau and Mouffe's Discourse Theory

Somayyeh Rahmanifam¹, Dr. Arash Moshfegi², Dr. Naser Alizadeh Khayat³

Abstract

Liberalism, often referred to as the ideology of modern times, is one of the concepts that has influenced the social and political developments in Iran since the constitutional era, and we are witnessing its widespread emergence in literature. Discourse analysis is also a type of interdisciplinary study that analyzes words and leads to in-depth reading of literary works. Based on the theory of analysis of the discourse of Laclau and Mouffe, this research tries to show the details of liberal concepts in order to identify them in the contemporary period based on the poem "Ali told his mother one day" by Forough Farrokhzad. According to this theory, the main goal of the liberal discourse is to compete with the prevailing discourse to establish freedom and independence as the central signifier of this discourse, and also seeks to identify itself by articulating the floating implications of tradition-breaking and the struggle for freedom. This discourse finds its political subject by mythologizing the militant human being, who is the same fish and Ali who is the child within Forough Farrokhzad, and challenges the hegemony of the ruling discourse in order to establish its order in the ruling society. The method of this research is descriptive-analytical and the research data has been studied using content analysis method and library and document research method.

Key words: Liberalism, Discourse Analysis, Forough Farrokhzad, Laclau and Mouffe, Signifier and signified.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. rahmanisaher@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. (Corresponding author) moshfegiarash@gmail.com

³ . Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. naseralizade@gmail.com

